

صبح صادق

ویژه نامه
۱۳ آبان



۱۳ آبان؛ روز تسخیر سفارت آمریکا

مؤذنین جامعه!

نمیدانم چرا سختش می کنند؟! «دانشجو»، «جوان»

اما «دانشگاه» در این میان کم رنگ می شود و این همان سکوی پرشی ست که می تواند در شناسنامه یک تحول یا اتفاق، محل تولد و اساس هویت آن باشد؛ چه آن تحول یا حرکت خوب باشد چه بد. جوان شالوده است و دانشجو جوهر آن و دانشگاه، که دانشگاه و نه یک گاه بی دانش، همان قله کوهی ست که جویبارها از آن سرازیر می شوند، بهم می پیوندند و سر انجام به اقیانوس منتهی می شوند.



بیانیه...

درد و سلام بر شما شگفتی آفرینان شهر شهادت و قیام که هر سال با حضور بی نظیر خود در یوم الله سیزدهم آبان با فریادهای بلندتان به جهانیان یادآور می شوید که: سیزدهم آبان ماه، یادآور عزم تاریخی ملت ایران بر حفظ استقلال و اعتلای هویت خود در برابر زیاده خواهی قدرت های بیگانه است. دشمنان ایران اسلامی به سرکردگی آمریکای مستکبر از آغاز نهضت حضرت امام خمینی (ره) در صدد ضربه به انقلاب اسلامی بوده اما به فضل الهی و حضور مردم بصیر و فهیم ایران در صحنه های مختلف انقلاب و رهبری حکیمانه "حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی)" این توطئه ها خنثی شد و چیزی جز افزایش نفرت و انزجار مردم ایران نسبت به آمریکای جنایتکار و بیشتر شدن فریاد «مرگ بر آمریکا» برجای نگذاشته است.

شعار «مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل و مرگ بر صهیونیست» ترجمان شعار راهبردی اصحاب کربلا و تربیت یافتگان مکتب عاشورایی در مقطع حساس تاریخ امروز انقلاب اسلامی می باشد. بازخوانی سیاهه دشمنی های آمریکا و اقدامات خصمانه و جنایات دولتمردان کاخ سفید و متحدان غربی و فریب خوردگان منطقه ای آنان بایستی در ایام الله ۱۳ آبان بعنوان روز ملی مبارزه با استکبار جهانی مورد تاکید ویژه قرار گیرد.

به فرموده ی امام راحل، ما شعار مرگ بر آمریکا را در عمل جوانان پرشور و قهرمان مسلمان در تسخیر لانه ی فساد جاسوسی آمریکا مشاهده نمودیم. ما برائت از مشرکان را در عمل ثابت نمودیم و به تاریخ فهمانیدیم که هیچ قدرتی نمیتواند جلودار و مانعی برای خروش مستضعفان علیه مستکبران باشد.

حافظه تاریخی ملت و بخصوص دانشجویان که نماد آگاهی و بیداری هر جامعه ای هستند، هیچگاه جنایات و خیانت های دولت آمریکا را در

کودتای 28 مرداد 32، حمایت از حکومت پهلوی، حمایت از صدام در حمله به ایران، ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران، حمایت از منافقین و دیگر مخالفان جمهوری اسلامی، حمایت از فتنه ها و اغتشاشات ضد حاکمیتی، ترور دانشمندان هسته ای، ترور سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و اعمال تحریم هایی که به گفته خودشان فلج کننده بود، که اینها فقط بخشی از این جنایات می باشد. در چند روز اخیر هم شاهد آن بودیم که بار دیگر استکبار جهانی در صدد ایجاد فتنه ای جدید بود و با حمله سایبری به سامانه سوخت کشور، قصد برهم زدن آرامش جامعه و ایجاد تنش در میان اقشار مردم را داشت. اما آگاهی و بصیرت مردم نجیب، صداقت و شفافیت مسئولان و روشنگری به موقع رسانه ملی این فتنه را در نطفه خفه کرد و نشان داد که صداقت و همدلی لازمه ایستادن در مقابل هیمنه پوشالی استکبار جهانی است.

امروزه افقی جدید در مقابل امت ما گشوده شده است که نقش آفرینی در این جنگ دائمی علیه مستکبرین خارجی و سرمایه داران زالو صفت داخلی اراده های آهنین میطلبد، تا بار دیگر ملت ایران، سرافراز میدان جنگ فقر و غنا و جنگ استکبار و استضعاف شود.

اکنون اعلام می داریم جنبش اصیل دانشجویی که برخاسته از بطن جامعه است زیر بیرق هیچ حزب و یا گروهی سینه نخواهد زد و تنها خود را متعلق به انقلاب و اهداف مترقی آن می داند و اجازه نخواهد داد دشمنان بوسیله جریانات خرنده برانداز و معاندین و فریب خوردگان داخلی، سناریوهای پوشالی و از پیش شکست خورده خود را در دانشگاه ها و در جامعه خصوصا، پیاده سازی کنند؛ چراکه میدان دانشگاه با حضور دانشجویان انقلابی، مؤمن به آرمان های اسلام ناب محمدی (ص) و مشرف به نقشه های دشمنان، قطعا به صحنه شکست و مفتضح شدن آنان

و السلام علی من اتبع الهدی

دانشجویان بسیجی دانشگاه ها و مراکز عالی استان خراسان رضوی

چيست چرایی خصومت نسل قرن بیست و یکی بازمانده از امپراطوری ایران با آمریکا؟!

زهرا محمدزاده نذاف، کارشناسی کامپیوتر

تا مردمان به راحتی مستقلانه ادامه حیات دهند. و باز در این هم از حقوق خود چشم میپوشد و دیگران را بر ایالات متحده اش مقدم میدارد، همین قدر مردم دارا او همواره از خطرات انسان در برابر طبیعت زیبای خداوند و آینده سیاره زمین آگاه بوده و می کوشد نگذارد مردم زیادی روی زمین، بیشتر از این از اکسیژن سطح زمین بکاهند و بر کربن دی اکسید آن بیفزایند. زمین سبب تحت فرهنگ غنی دموکراسی اش، با به کار گرفتن مردمش و نجات آنها از بیکاری، هی اسلحه میسازد و با زمزمه «نون خور کمتر، بهتر» به سبک شدن زمین کمک شایانی می کند. و شایسته تقدیر است که در هر دوره سایرین مشتاق را هم در این خدمت بشر دوستانه سهیم کرده و ترویج تمدن نوین جهانی را یاری می کند. آنقدر مسئولیت پذیر و قانع که همجا هست و کارمندان و سفیرانش در سفارتخانه ها اضافه کاری می کنند و حتی بیشتر از حوزه مسئولیت شان به جمع آوری داده هایی مشغولند که بتوانند در مواقع لزوم ملت ها را از رفتن به راه ناصواب باز داشته و به صراط مستقیم هدایت کنند. به قول ما ایرانی ها واقعا بشکند دستی که نمک ندارد و می زند و درب لانه متمدن جاسوسی ایالات متحده فداکار و حامی حقوق بشر را تخته می کنند و باز هر سال هم این حرکت ضد بشری را گرامی میدارند!

به قول عزیزی گاهی ملتی کاری می کنند که اصلا به صلاحشان نیست؛ و چه خوب و میمون که در این مواقع کسی باشد دلسوز، آگاه، متعهد به حقوق بشر و مهربان که بیاید و جلوی این دیوار کج را بگیرد. والا! و چه خوب تر که چنین گوهر ارزشمندی مدت هاست (حالاً نه به قدمت تمدن شکل گرفته در فلات ایران و نه به عظمت امپراطوری مین) در گوشه ای از سیاره خاکی ما قد علم کرده و آنقدر مسئولیت پذیر و بشر دوست است که مصرانه در تلاش است تمامی کوچک و بزرگ های زمین را در دامن پیراهن پر از مهرش جای دهد! کسی که آثار باستانی ملت ها را ارج می نهد و آنها را از شر مردمان عقب مانده بی فکرشان رهایی بخشیده و بدون هیچ چشمداشت یا حق اجاره بهایی، از حق آثار بشمار باستانی خودش میگذرد و در موزه های خودش جای میدهد. با حفظان حقوق بشرش را مهربانانه به همه جا می فرستد و در ازای ترویج دموکراسی و نزدیک کردن مردمان دور از مدرنیته به پیشرفت و بالندگی نوین، تنها یک کاپیتولاسیون ناقابل می خواهد و عجیب و چه بی ادبانه که بعضی از این ملت ها همین ابتدایی ترین حقوق را از آنها دریغ می کنند! چنان به سلیقه مردم جهان احترام میگذارند که در راستای استقلال طلبی بسیاری می کوشند و چه کشورها که به لطف تلاش آنان چهل تکه شده تا

در سال های ۵۶ و ۵۷، زمانیکه زمزمه ی طلوع فجر در ایران به فریادی بلند مبدل شد و دیدن این طلوع، برای مردم تبدیل به آرمانی زیبا شد؛ مردم از گروه های مختلف باهم متحد شدند تا بتوانند روزی درکنار هم به تماشای این طلوع بنشینند. و هنگامی که انسان آرمان خویش را بباید، دیگر جان و مال، گویی اهمیت خود را در پیش چشمش از دست میدهد و همه وجود فرد میخواهد که آن آرمان را محقق نماید.

سال ۵۷، سالی پر التهاب برای ایران بود. در آن روزها ایران، نظاره گر عشق بازی افراد باشهامت و آرمانگرایی در خون خویش بود و چهره زشت سرکوب گری هر روز بیشتر از پیش برایش آشکار میشد. اما داستان تلخ صبح ۱۳ ام آبان ۵۷، متفاوت بود و برگی درنکاک بر دفتر تاریخ ایران رقم زد. این بار نوجوانان و دانش آموزان، صدای اعتراض کشور شدند. هیچ چیز و هیچ کس جلودارشان نبود، همچون آبی پرخروش، از تلاطم بازنایستادند. ایران پرغرور بود از دیدن این همه نوجوان باشهامت، اما دقایقی بعد چشمانش به خون نشست. دانشگاه تهران آن روز بیشتر از دانشگاههایش دانش آموزان باغیرت به خود دید. صدای اعتراضات بلند و بلند تر میشد و کسی توان ایستادن در برابر این جریان زلال را نداشت. اما به رسم همیشگی ستمگران، سرکوب با خون شروع شد؛ صدای شلیک و گلوله فضای دانشگاه تهران را پر کرده بود و با ضرب گلوله های پی در پی، جوانان همچون گل سرخ پر پر میشدند و بر زمین می افتادند، اما بازهم دست از اعتراض و خروش خود برنداشتند، گویی افتادن هر جوان بر زمین خروشی دیگر بر این تلاطم می افزود و جوانان دیگر با این اتفاق مسر تر میشدند برای فریاد حق خواهی و خون خواهی.

ایران داغیده و درحیرت بود. اسلحه بر روی نوجوان؟ اجواب عدالت خواهی مگر مرگ است؟! آن جوانها و نوجوانها برای درخواست عدالت، درخواست عطفوت، درخواست آرمانشان، مطالبه گر شدند، اعتراض کردند و تا پای جانشان هم برای تحقق آن ایستادند. از آن روزها مدتهاست که میگردد، اما فریاد هرکدام از آن نوجوانان باید در خاطرمان باشد، فریادی برای طلب حقانیت و عدم سکوت در برابر جبر و سرکوب گری. آن خونها ریخته شد و ثمره اش درخت تنومند انقلاب بود اما هر درختی نیاز به مراقبت دارد، توجه و دقت میخواهد، گاهی هرس کردن میخواهد تا همیشه سالم و سلامت بماند. در این روزهایی که افراد مختلف کمر همت به قطع کردن این درخت بسته اند، سکوت و ناامیدی کار عبثی است. انقلاب تنها به خودی خود کافی نیست، باید به پیش به ایستیم، برایش تلاش کنیم و با دیدن هر نوع جبرگرایی و بی عدالتی سکوت نکنیم. باید همان روحیه پر خروش مطالبه گری را در خودمان زنده نگه داریم و زیر بار حرف زور نرویم. ما نسلی از همان جوان ها هستیم و آرمان ما برپایی عدالت بوده و هست، و برای تحقق این آرمان همصدا و متحد میشویم در برابر زیرپا گذاردگان عدالت.

زهره سربیار، کارشناسی معماری

هرجا ارتفاع از سطح خاک بیشتر شود، گرانث ذاتی زمین قطره های سبکبار آب را فرا میخواند تا از بلندای کوهها، صخره ها و هر کجا که هستند به هم بپیوند و تغییر را رقم بزنند. اتفاقی که تاریخ در همه دورانها تجربه اش را دارد. بارها و بارها.

اتفاقات بزرگ را پیران نقشه راه می کشند اما این جوانها هستند که آنها را به ثمر می نشانند؛ بدون سستی قدم و وابستگی دل و ترس عقل. یک شور آگاهانه که دیوارهای بزرگ کرده سفارتخانه ی بزرگ بلوک غرب، نمونه اش را خوب به یاد دارد؛ برای او نحس و برای ما فتح!

اسما باوجدان، کارشناسی برق



۱۳ آبان، ثمره انقلاب پایدار

منصوره پوران علی، کارشناسی حسابداری

تظاهرات عمومی در سراسر کشور آغاز و منجر به سقوط نظام شاهنشاهی مستبد و جنایتکار گردید، هرچند این آخرین جنایات رژیم پهلوی علیه ایران نبود، اما بعد از این رخداد، دانشجویان به همراه دیگر اقشار جامعه با حضور در میدان مبارزه، بساط رژیم شاهنشاهی را در هم پیچیدند. درحالیکه ۹ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود دانشجویان پیرو خط امام در 13 آبان سال ۵۸ با تسخیر ساختمان سفارت آمریکا آن را تصرف و دیپلمات های آمریکایی را گروگان گرفتند. این دانشجویان در قالب تشکل دانشجویی اسلامی جمع شده و برای حراست از انقلاب اسلامی تلاش و کوشش می کردند. این واقعه به صدر اخبار جهان رسید و ایالات متحده ی آمریکا را در بهت عمیقی فرو برد. اقدام دانشجویان مورد توجه امام خمینی (ره) قرار گرفت و از این اقدام شجاعانه و به موقع دانشجویان در تسخیر لانه جاسوسی تشکر کردند. وقایع ۱۳ آبان سال ۵۷ و ۵۸ نقطه ی عطفی در پیروزی و عزت انقلاب اسلامی بوده است.

انقلاب اسلامی از آغاز مبارزات تا به ثمرنشستن خود شاهد به خون غلتیدن نوجوانان و جوانان خود بوده است. امام خمینی (ره) پس از اعتراض شدید به سیاست های حکومت پهلوی و افشاکری در خصوص لایحه کاپیتولاسیون، در روز ۱۳ آبان سال ۴۳ توسط ماموران شاهنشاهی بازداشت و پس از انتقال به تهران، با یک فروند هواپیمای نظامی از فرودگاه مهرآباد به ترکیه تبعید شدند. پس از این تبعید به نجف و سپس در ۱۴ مهرماه ۵۷ به پاریس مهاجرت کردند و از آنجا همواره پیگیر مبارزه با استبداد داخلی و خارجی بودند. ایشان طی پیامی به مناسبت آغاز سال تحصیلی، دانش آموزان و دانشجویان را به کوشش برای نجات اسلام و کشور فرا میخواندند و به آنان بشارت پیروزی می دادند. اعتراضات و تظاهرات دانش آموزان و دانشجویان گاهی به سرکوب و تیراندازی از سوی نیروهای نظامی رژیم پهلوی جهت متفرقه کردن معترضان منجر می شد. از اوایل آبان تظاهرات دانش آموزان ادامه داشت و در روز ۱۳ آبان ۵۷ در محوطه دانشگاه تهران به اوج خود رسید، نیروهای نظامی با گشودن آتش و گلوله بر روی آنان، تعدادی از دانش آموزان را به خاک و خون کشیده شدند و صدها نفر را نیز مجروح کردند. پخش فیلم و تصاویر جنایات رژیم پهلوی از تلویزیون باعث خشم مردم و حتی طبقه مرفه جامعه شد و

۱۳ آبان؛ روز ملی مبارزه با استکبار جهانی

